



همبودی انسان و حیوان در تدفین‌های دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی در هلال حاصلخیزی

محسن سنگ برگان^۱، محمد حسین رضایی^۲

۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران. نویسنده مسئول: mobargan@yahoo.com

۲ استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله:
یکی از مهم‌ترین یافته‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی تدفین‌ها هستند؛ برخلاف بسیاری از یافته‌های باستان‌شناسی که موقعیت قرارگیری آن‌ها اغلب بدون اهداف خاصی است، در تدفین قرارگیری یافته‌ها به‌صورت عمدی بوده و در پشت آن اهدافی نهفته است که می‌تواند منعکس‌کننده اعتقادات و شرایط زندگی انسان در آن دوران باشد. همراهی حیوانات با انسان‌ها در تدفین، یکی از شیوه‌های رایج تدفینی از دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی در منطقه هلال حاصلخیزی است که، می‌تواند دارای مفاهیم زیادی از دنیای گذشته باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی بررسی و معرفی این شیوه تدفینی و بازه زمانی شروع آن، رابطه آن با اهلیسازی حیوانات و همچنین بررسی مفاهیم پنهان در پشت رواج این شیوه تدفینی (همچون ارتباط با شمنیسم و یا نمادگرایی آئینی) است. انجام این پژوهش به روش مطالعه مروری صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شیوه و سنت تدفین حیوان و همچنین نوع حیوان برگزیده‌شده برای همراهی انسان در تدفین، در مناطق مختلف و ادوار مختلف زندگی انسان بر اساس نگرش‌های مختلف، متفاوت بوده است که شامل حیوانات گوشت‌خوار و هم گیاهخوار می‌شده است. همچنین، وجود حیواناتی با قابلیت اهلی‌شدن در تدفین‌ها، نشان‌دهنده ارتباط قوی بین انسان و حیوانات بوده و احتمالاً با شروع روند اهلیسازی مرتبط است. علاوه بر کشف بقایای کامل حیوانی در برخی از قبور، بخش‌هایی از حیوان همراه انسان دفن شده است که به‌نوعی پیشگامی به متوفی است. همچنین در برخی از موارد، نشانه‌هایی دال بر حتی ارتباط نمادین بین انسان و حیوان و شمنیسم نیز در تدفین‌های انسانی و حیوانی وجود دارد.	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴ تدین انسان حیوان فراپارینه‌سنگی نوسنگی هلال حاصلخیزی

* استناد: سنگ‌برگان، محسن، رضایی، محمدحسین (۱۴۰۳). همبودی انسان و حیوان در تدفین‌های دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی در هلال

حاصلخیزی. پیام باستان‌شناسی، ۱۶(۳۱)، ۱۹-۳۵. <https://doi.org/10.71794/peb.2024.3121043>

مقدمه

عمده‌ترین هدفی که در باستان‌شناسی دنبال می‌شود بازسازی گذشته است. باستان‌شناسان برای رسیدن به این هدف عمدتاً از یافته‌های حاصل از کاوش استفاده می‌کنند و با در کنار هم قرار دادن این یافته‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها، سعی در بررسی فرضیه‌های مختلف در خصوص ابعاد مختلف زندگی جوامع گذشته می‌کنند. در این خصوص باستان‌شناسی مشابه انسان‌شناسی است. در حالیکه انسان‌شناس باورها و رفتارهای یک گروه زنده را مطالعه می‌کند، باستان‌شناس با بقایای فیزیکی به جای مانده از یک فرهنگ سروکار دارد (Grindell, 1998: 56).

برخلاف سایر یافته‌های باستان‌شناسی که موقعیت قرارگیری و کیفیت آن‌ها اغلب به صورت اتفاقی است، اهمیت داده‌های به دست آمده از تدفین در مقایسه با سایر یافته‌های باستان‌شناسی در این است که موقعیت قرارگیری و کیفیت اشیاء، دارای اهداف مشخصی بوده و بازماندگان متوفی برای اهداف خاصی شیوه و کیفیت تدفین را برمی‌گزیده‌اند که با توجه به ماهیت یافته‌های به دست آمده از تدفین، می‌تواند اطلاعات فراوانی از جنبه‌های مختلف زندگی مادی و غیرمادی جوامع گذشته را روشن سازد (Tarlow and Stutz, 2013: 5).

با توجه به اهمیت دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی و تغییرات صورت گرفته در این دوران که در باستان‌شناسی به عنوان انقلاب شناخته می‌شود و به اعتقاد گوردن چاپلید، حرکت از گردآوری و شکارگری به سمت کشاورزی، اصلی‌ترین عامل این انقلاب است (Hole, 1984: 40) و تأثیر این حرکت سبب یک تغییر بنیادین در اقتصاد انسان گردید که تنها قیاس ممکن با آن دوران انقلاب صنعتی است (Ashraf & Michalopoulos, 2010: 1). کلمه نوسنگی که اولین بار به عنوان یک فناوری ابزارسازی به کار برده می‌شده، امروزه چیزی بیشتر از توسعه فناوری و نمایشی از اهلی‌سازی گیاهان و حیوانات یا یکجانشینی است و به تدریج به عنوان سیمایی از تکنولوژی، اقتصاد،

جامعه، ایدئولوژی پذیرفته شده و در کل به عنوان روش نوسنگی در زندگی نوسنگی شناخته شده است (Cilingiroglu, 2005: 1). باستان‌شناسان با تمرکز بر دوره نوسنگی پژوهش‌های مختلفی را در خصوص مبدأ آغاز اهلی‌سازی حیوانات و گیاهان و تغییرات محیطی در دوره نوسنگی صورت داده‌اند، اما پژوهش‌های نسبتاً کمی در خصوص زمینه‌های اجتماعی، مذهبی این دوره صورت گرفته است (Kujit, 2002: 3) که با توجه به اهمیت این دوره و کاربرد داده‌های تدفینی در باستان‌شناسی، بررسی تدفین‌های این دوره دارای اهمیت ویژه‌ای است و می‌تواند تأثیر زیادی در بررسی جنبه‌های مختلف زندگی جوامع در این دوران داشته باشد.

هنگامی که شیوه‌ها و سنت‌های تدفینی در دوران نوسنگی و فراپارینه‌سنگی در خاور نزدیک را مورد بررسی قرار می‌دهیم در کنار سنت‌های رایج تدفینی، شامل تدفین زیر محل‌های مسکونی (تدفین اولیه^۱ یا تدفین ثانویه^۲)، شیوه متمایزی از تدفین به صورت تدفین انسان همراه با بقایای حیوانی قابل مشاهده است که به تعداد معدودی در محوطه‌های مختلف دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی منطقه لوانت، آسیای صغیر و بین‌النهرین و جنوب غرب ایران گزارش شده است که، در این پژوهش سعی شده این شیوه تدفینی مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور، پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌هایی در خصوص این شیوه تدفین است که از جمله اینکه، آیا رواج این شیوه تدفینی می‌تواند به دلیل ارتباط نزدیک انسان و حیوان و شروع شدن روند اهلی‌سازی باشد؟ آیا می‌توان نشانه‌های از شروع اهلی‌سازی حیوانات را در این گونه از تدفین‌ها یافت؟ و یا اینکه وجود این تدفین‌ها می‌تواند نشانه‌هایی دال بر شکل‌گیری تمایزات اجتماعی باشد؟ آیا این تدفین‌ها دارای کارکردهای آئینی و مذهبی هستند؟ بدین منظور، ابتدا شواهدی دال بر وجود این شیوه تدفینی در

1. Primary Burial

2. Secondary Burial

محوطه‌های مختلف ارائه می‌شود، و سپس با بررسی سایر داده‌ها به بررسی چرایی و مفاهیم پنهان این شیوه تدفینی پرداخته می‌شود.

روش پژوهش

در کنار روش‌های مرسوم تدفین در دوران نوسنگی و فراپارینه‌سنگی، برخی تدفین‌ها در محوطه‌های محدوده خاور نزدیک کشف شده‌اند که، در این قبور حیوانات به همراه انسان دفن شده‌اند. با توجه به شروع فرایند اهلی‌سازی حیوانات در این دوران، بررسی این تدفین‌ها همراه با سایر یافته‌های این محوطه‌ها، می‌تواند در مشخص نمودن چگونگی و چرایی ارتباط انسان و حیوان مؤثر باشد. پژوهش حاضر در پی بررسی و معرفی شیوه تدفین اشتراکی انسان و حیوان و بازه زمانی شروع آن، و ارتباط آن با اهلی‌سازی حیوانات و بررسی مفاهیم پنهان در پشت رواج این شیوه تدفینی (همچون ارتباط با شمنیسم و یا نمادگرایی آئینی) است. روش انجام این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات لازم از گزارش‌های باستان‌شناختی و انتشارات مربوط به محوطه‌های خاور نزدیک گردآوری شده، و با تجزیه و تحلیل اطلاعات و شواهد موجود، به پرسش‌ها و ابهامات در خصوص این شیوه تدفینی پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

اولین داده‌های بدست آمده در خصوص ویژگی‌های تدفین و داده‌های تدفینی در قرن ۱۷ میلادی توسط عتیقه جویان صورت گرفته است که یکی از نمونه‌های آن، پیدا شدن یک خمره حاوی سکه‌های رومی و یونانی در گورستان باستانی در انگلستان است، که توسط جیمز بووی^۳ در سال ۱۶۷۰ یافت شده است. در قرن ۱۸ میلادی با توجه به شکل‌گیری مفاهیمی مانند دوران تاریخی و پیش‌ازتاریخ در علوم، علاوه بر توجه به داده‌های تدفینی، زمان انجام تدفین

برای عتیقه‌جویان اهمیت پیدا کرد و افرادی مانند ریچارد گوگ^۴ شروع به مطالعه و بررسی بر روی زمان خاک‌سپاری مردگان نمودند (Stout, 2010: 17). در ابتدای قرن ۱۹ میلادی برای تعیین قدمت تدفین‌ها، مشخصه‌هایی توسط عتیقه جویان عنوان شده بود. به طور مثال در بررسی که توسط هور^۵ و ویلیام^۶ بر روی ۴۰۰ گورته انجام گردید، تفاوت در شیوه تدفین به صورت خاک‌سپاری یا جسد سوزی، و داده‌های همراه تدفین، با زمان دفن متوفی مرتبط اعلام شد؛ و به اعتقاد آن‌ها تدفین با پاهای جمع شده قدیمی‌تر، و تدفین به شیوه جسد سوزی و شیوه تدفینی با پاهای باز، جدیدتر از انواع دیگر خاک‌سپاری است. آن‌ها همچنین از ماهیت داده‌های همراه متوفی جهت تعیین قدمت تدفین استفاده کردند، و تدفین‌های فاقد داده‌های بارزش مانند زیورآلات و جواهرات را قدیمی‌تر از انواع دیگر تدفین‌ها معرفی نمودند (Stout, 2010: 18). از دیگر توجهات به تدفین‌ها در قرن ۱۹ میلادی، استفاده از تدفین‌ها در بررسی‌های نژادشناسی است (Stout, 2010: 20).

درواقع باید آغاز مطالعات هدفمند در زمینه بررسی و آنالیز تدفین‌ها را، مطالعات و فعالیت‌های بینفورد بدانیم که، شروع آن با نگارش مقاله‌ای تحت عنوان مطالعه شیوه‌ها و برنامه‌های تدفین و پتانسیل‌های آن در سال ۱۹۷۱ بود (Binford, 1971: 6-25). به اعتقاد بینفورد راه و روش اجتماعی که در مرگ منعکس خواهد شد، راه و روش اجتماعی است که در زندگی بر اساس آن رفتار می‌شده است (Grindell, 1998: 57). ارزیابی‌های رفتارهای تدفینی ارائه شده توسط لوباک^۷ در سال ۱۹۰۰ میلادی و آنالیز وی از تقریباً ۳۰۰ تدفین با روش‌های مختلف، شامل جهت قرارگیری متوفی، شیوه تدفین، داده‌های تدفینی و انواع قبور، همچنان امروزه در

4. Richard Gohg

5. Hoar

6. Willim

7. Lubbock

3. James Boevey

بر اساس آزمایش‌های رادیو کربن محدوده زمانی ۱۴۲۰۰ - ۱۷۲۵۰ سال پیش را در برمی‌گیرد و در آن بقایای اسکلت نه نفر به‌دست‌آمده است (Diaz et al., 2012: 3) بیشتر تدفین‌های یافت شده به‌صورت ابتدایی هستند و دو مورد تدفین‌های شماره دو و چهار به‌صورت ثانویه است. چاله تدفین‌ها مشخص نیست، ولی محدوده تدفین‌ها به‌وسیله داده‌های همراه تدفین مشخص شده است (Maher et al., 2011: 1-9). تدفین حیوانی یافت شده از این محوطه در محدوده دو قبر شماره هشت و یک است. قبر شماره یک شامل دو گروه بقایای انسانی به همراه استخوان‌های پراکنده است که به‌صورت تدفین A و B نام‌گذاری شده است (Maher et al., 2011: 3). به همراه این تدفین انسانی در گور شماره یک، مجموعه یک روباه یافت شده که در سمت راست و زیر دنده‌های تدفین قرار گرفته است. مقدار قابل توجهی اخرا، زیر و داخل مجموعه روباه قابل مشاهده است که نشان می‌دهد، تدفین B و اسکلت روباه روی لایه‌ای از اخرا قرمز قرار گرفته که نشانه‌ای دال بر یک سنت تدفینی است. قبر شماره هشت که در فاصله حدود ۱۰ سانتی متری از قبر شماره یک قرار گرفته است، حاوی بقایای استخوان انسان است که شامل یک مجموعه پراکنده و فک یک فرد بالغ به همراه دندان‌ها است. مهره‌ها به انتهای مجموعه متصل بودند، اما آن‌ها ۱۸۰ درجه چرخیده بودند. فقدان استخوان‌های دیگر مرتبط، نشان می‌دهد که مجموعه و مهره گردن از بدن فرد دیگری جدا شده و به این مکان منتقل شده است (Maher et al., 2011: 4). تدفین مشترک انسانی و حیوانی یافت شده، شامل بخش‌هایی از اسکلت یک روباه است که بالاته آن در یک گور و پایین‌تنه آن در گور دیگری قرار دارد. مشابه این رفتار با اسکلت در تدفین‌های انسانی نیز یافت شده که، می‌تواند نشان‌دهنده تشابه تدفین این حیوان با تدفین انسان‌ها باشد (Ibid: 3). این همسانی می‌تواند روایتگر جایگاه مشابه و هم‌تراز این حیوان با انسان در آستانه نوسنگی شدن باشد که، روباه نقش مهمی را در

بررسی‌های تدفین‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. وی عنوان کرد که هدایای تدفینی و میزان وقت صرف شده برای آماده‌سازی تدفین متوفی، جایگاه فردی که در میان قبر آرمیده است، را نشان می‌دهد. این نظریه ساده تا به امروز به‌عنوان یک نظریه معتبر مطرح است (Collins, 2009: 47-48). ما می‌توانیم پژوهش‌های صورت گرفته توسط بینفورد و ساکس در خصوص بررسی ابعاد اجتماعی تدفین‌ها، را به‌نوعی تداوم پژوهش لوباک در بررسی تدفین‌ها به شمار بیاوریم (Saxe, 1970; Binford and Binford, 1968).

یکی از مطالعات صورت گرفته در خصوص شیوه‌های تدفین دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی، رساله دکتری گریندل (Grindell, 1998) است که، به بررسی و مقایسه تدفین‌های دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی در منطقه لوانت و ارتباط آن با پیچیدگی اجتماعی می‌پردازد. از دیگر مطالعات صورت گرفته در خصوص بررسی تدفین‌های دوران نوسنگی، پژوهش کوچیت (Kuijt, 2002) است که به بررسی سنت تدفینی دفن مجموعه و ارتباط آن با اتحاد جوامع در دوران نوسنگی منطقه لوانت پرداخته است. ازجمله پژوهشی که اخیراً صورت گرفته می‌توان به کتاب شیوه تدفین در ایران و منطقه لوانت از ابتدا تا پایان دوره نوسنگی اشاره نمود (رضایی و سنگ‌برگان، ۱۳۹۸). هرچند مطالعات مختلفی در خصوص شیوه تدفین در یک محوطه خاص صورت گرفته، اما کمتر به موضوع بررسی سنت تدفینی خاص در یک دوره پرداخته شده است.

بحث و تحلیل

یکی از قدیمی‌ترین شواهد مربوط به تدفین حیوانات به همراه انسان از محوطه ایون الحمام^۸ در شمال اردن یافت شده است. این محوطه مربوط به دوران فراپارینه‌سنگی آغازین و میانی است (Maher et al., 2012: 69)، که

^۸. Uyun al-Hammam

اکثر پژوهشگران و باستان‌شناسان است، تدفین‌های این دوره است که اولین نشانه‌های ظهور و پیدایش قبرستان‌ها در این دوره بوده است (Belfer-Cohen, 1988) که شامل بیش از ۴۵۰ تدفین در مناطق مختلف حوزه قلمرو ناتوفیان است (Mateiciucova, 2013)، در این دوره شاهد افزایش چشمگیری از تدفین‌های بازایی شده نسبت به ادوار قبل هستیم که، در برخی از این قبور شواهدی از تدفین‌های حیوانی به چشم می‌خورد. یکی از تدفین‌های مشترک انسانی و حیوانی مربوط دوره ناتوفیان از غار هیلازون^{۱۱} یافت شده است. این غار در وادی هیلازون در جنوب جلیله و در شمال فلسطین واقع شده و حدود ۱۴ کیلومتر از دریای مدیترانه فاصله دارد (Grosman and Munro, 2016: 303). سه چاله تدفین کوچک در محدوده‌ای در حدود پنج متر و با عمق ۸۰ سانتیمتر واقع شده‌اند که در آن بقایای حدود ۲۵ نفر به‌دست آمده است. بعضی از اجساد به گوشه‌ای کشیده شده‌اند و مجدداً اجساد جدیدی در کنار آن‌ها دفن شده‌اند. در برخی از تدفین‌ها، جمجمه و استخوان‌های بلند مشاهده نمی‌شود. در این تدفین به نظر می‌رسد که بعد از دفن متوفی، گور بازگشایی شده و این استخوان‌ها برای انجام تدفین ثانویه برداشته شده‌اند؛ سنت تدفینی که در دوره ناتوفی و نوسنگی در منطقه لوانت رواج داشته است (Grosman et al., 2008: 1765). قبر حاوی تدفین حیوانی در سازه A به‌صورت بیضی‌شکل است که، یک سنگ مثلثی شکل به ابعاد ۴۰ × ۷۵ سانتیمتر روی قبر قرار گرفته است. دیوارهای قبر شواهد آشکاری از رفتار خاص برای متوفی را نشان می‌دهد. آنالیز مواد معدنی وجود اندود گلی بر روی دیوار قبر (که از سنگ و ملاط گل ساخته شده) را نشان می‌دهد. در زمان دفن ۱۰ سنگ بزرگ مستقیماً بر روی سر، کتف و بازوی متوفی قرار داده شده که وزن زیاد سنگ‌ها باعث از بین رفتن برخی استخوان‌ها و پراکنده شدن آن‌ها شده است (Ibid: 1765).

نمادهای جنوب غربی آسیا داشته است. نگاره روباه به همراه مار و کرکس به‌صورت نقش‌کننده بر روی قطعات کوچک سنگی در جرف الاحمر^۹ سوریه، مربوط به دوران نوسنگی پیش‌ازسفال A یافت شده است (Willcox, 2002: 55; Watkins, 2012: 3). همچنین در محوطه گوبکلی تپه^{۱۰} ترکیه، مربوط به دوره نوسنگی قبل از سفال A، نگاره روباه در اشکال متفاوت بر روی ستون‌های T شکل به همراه سایر نمادهای حیوانی مانند گراز و کرکس مشاهده می‌شود. تدفین این حیوان همراه با انسان، می‌تواند نشان‌دهنده ارتباط نزدیک و نمادین انسان‌ها با این حیوان در دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی باشد (Schmidt, 2010: 244-245). این حیوان علاوه بر نقشی نمادین، تا حدودی نقش اقتصادی نیز در جوامع فراپارینه‌سنگی و نوسنگی داشته است. بررسی استخوانی حیوانی یافت شده از محوطه‌های مختلف مربوط به دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی منطقه لوانت، وجود شواهدی دال بر قصابی و پخته شدن استخوان این حیوان را نشان می‌دهد (Yeshurun et al. 2009: 8).

دوره فراپارینه‌سنگی پایانی با توجه به تدفین‌های یافت شده از آن کاملاً با دوران فراپارینه‌سنگی آغازین و میانی متمایز است. این دوره در منطقه لوانت با عنوان فرهنگ ناتوفی شناخته می‌شود و شروع آن ۱۳۰۰۰ تا ۱۴۵۰۰ سال پیش است (Bocquentin and Bar-Yosef, 2004: 19). از ویژگی‌های این فرهنگ نشانه‌هایی از یکجانشینی (استقرار موقت) و همچنین بهره‌برداری از گیاهان و حیوانات است. پژوهشگران این دوره را مقدمه‌ای برای ورود به دوره نوسنگی می‌دانند. حتی در برخی مواقع، بر اساس ابزارهایی که استفاده می‌کرده‌اند، مانند داس، هاون و دسته‌هاون به‌عنوان اولین کشاورزان شناخته می‌شوند (Byrd, 1989: 161). یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های فرهنگ ناتوفیان در جنوب لوانت که قابل توجه

^۹. Jerf el Ahmar

^{۱۰}. Göbekli Tepe

^{۱۱}. Hilazon

بررسی جنسیت و سن جسد نشان می‌دهد که جسد متعلق به یک زن ۴۵ ساله است که همراه با داده‌های غیرعادی شامل، یک قطعه ظرف سنگی، پای یک انسان، یک استخوان نوک‌تیز و عجیب‌تر از همه، دفن بیش از ۵۰ لاک‌پشت که ۱۵ عدد از آن‌ها هنگام کاوش به‌صورت کامل به‌دست آمده‌اند، دفن شده است (شکل ۱ و ۲). بررسی لاک‌ها نشان می‌دهد که به‌وسیله چکش سنگی هنگامی که تازه و فرسوده نشده بودند، شکسته شده‌اند. نوع شکستگی نشان می‌دهد که پوسته زیرین لاک‌پشت جدا شده و لاک آن باقیمانده است و این امکان وجود دارد که لاک‌پشت‌ها برای مصرف خوراکی هنگام دفن جسد مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Munro & Grosman, 2010: 1536). قبر همچنین حاوی بخش‌هایی از استخوان‌های حیوانات مختلفی است که شامل دو جمجمه سمور، قسمت‌هایی از یک بال عقاب، چندین مهره یک گاو وحشی و بخش‌هایی از لگن یک گربه وحشی است، که بین دو لاک‌پشت قرار داده شده است. همچنین یک استخوان ساعد گراز وحشی با استخوان بازوی شخص متوفی در یک راستا قرار داده شده است و برخلاف سایر استخوان‌های حیوانات سم‌دار یافت شده از این تدفین، این استخوان کامل است (Grosman et al., 2008: 1767-1768).

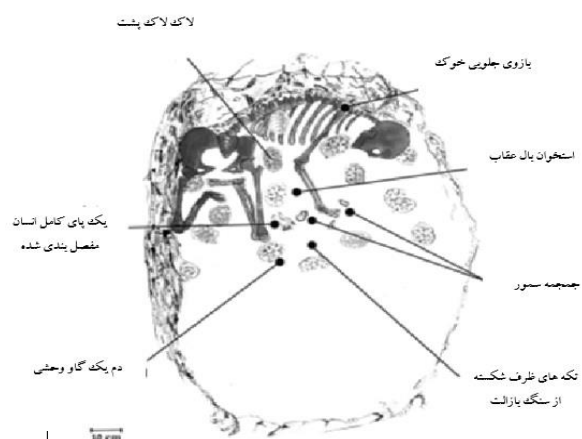
بررسی جنسیت و سن جسد نشان می‌دهد که جسد متعلق به یک زن ۴۵ ساله است که همراه با داده‌های غیرعادی شامل، یک قطعه ظرف سنگی، پای یک انسان، یک استخوان نوک‌تیز و عجیب‌تر از همه، دفن بیش از ۵۰ لاک‌پشت که ۱۵ عدد از آن‌ها هنگام کاوش به‌صورت کامل به‌دست آمده‌اند، دفن شده است (شکل ۱ و ۲). بررسی لاک‌ها نشان می‌دهد که به‌وسیله چکش سنگی هنگامی که تازه و فرسوده نشده بودند، شکسته شده‌اند. نوع شکستگی نشان می‌دهد که پوسته زیرین لاک‌پشت جدا شده و لاک آن باقیمانده است و این امکان وجود دارد که لاک‌پشت‌ها برای مصرف خوراکی هنگام دفن جسد مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Munro & Grosman, 2010: 1536). قبر همچنین حاوی بخش‌هایی از استخوان‌های حیوانات مختلفی است که شامل دو جمجمه سمور، قسمت‌هایی از یک بال عقاب، چندین مهره یک گاو وحشی و بخش‌هایی از لگن یک گربه وحشی است، که بین دو لاک‌پشت قرار داده شده است. همچنین یک استخوان ساعد گراز وحشی با استخوان بازوی شخص متوفی در یک راستا قرار داده شده است و برخلاف سایر استخوان‌های حیوانات سم‌دار یافت شده از این تدفین، این استخوان کامل است (Grosman et al., 2008: 1767-1768).

در کنار دفن این تعداد قابل‌توجه لاک‌پشت در گور هیلزون، یافت شدن بخش‌هایی از حیوانات مختلف به همراه ساختار متفاوت این گور با سایر قبور کشف شده در این محل، می‌تواند نشان‌دهنده جایگاه متمایز فرد دفن شده باشد که برای جمع‌آوری این حجم از استخوان از حیوانات مختلف انرژی زیاد صرف شده و ممکن است این فرد نقشی مانند نقش یک شمن را در میان افراد داشته است (Ibid: 1765). مطالعات صورت گرفته در خصوص شمنیسم نشان می‌دهد که شمن‌ها با جوامع شکارگر و گردآورنده مرتبط بوده‌اند. شمن‌ها در مواقع عدم موفقیت در شکار یا وقتی که بحرانی روی می‌داده و یا در شرایط

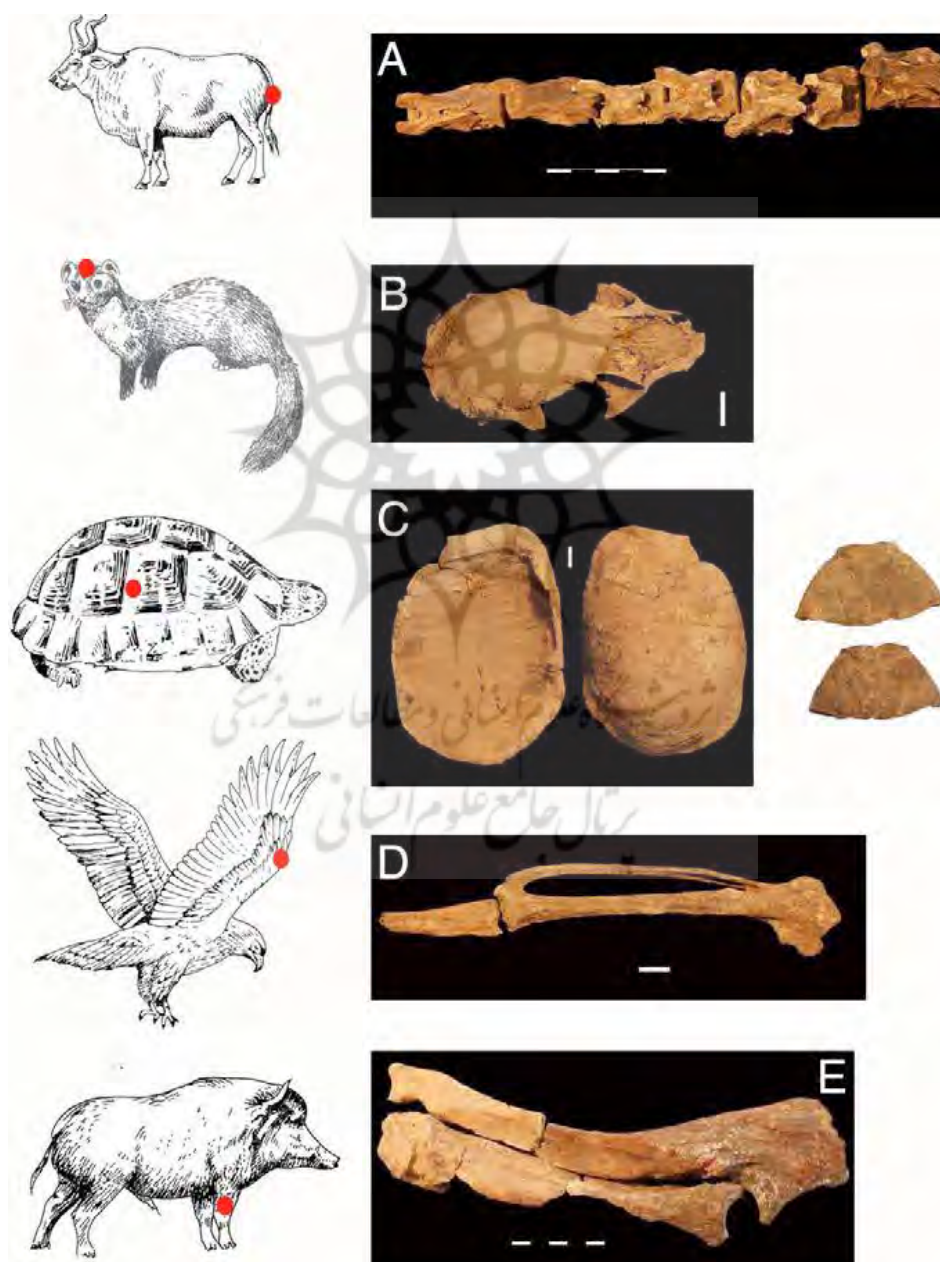
یکی دیگر از محوطه‌های جالب‌توجه که، در خصوص تدفین‌های دوره فراپارینه‌سنگی پایانی اطلاعاتی فراوانی را در اختیار ما قرار می‌دهد، محوطه عینان^{۱۲} یا عین ملاحه^{۱۳} در لوانت است. این محوطه برای چندین هزار سال، از فاز ناتوفیان آغازین تا پایانی مورد سکونت قرار گرفته و اهمیت این محوطه به دلیل وجود تدفین‌ها و معماری مربوط به این دوران است (Valla et al., 2017: 295). تقریباً بقایای حدود ۱۲۰ اسکلت از این محوطه به‌دست آمده که، شامل فاز آغازین و پایانی استقرار است که برخی از آن‌ها با فضاهای مسکونی مرتبط هستند (Bocquentin et al., 2013: 187).

¹². Eynan

¹³. Ain Mallaha



شکل ۱: موقعیت قرارگیری متوفی هنگام تدفین در غار هیلزون (Grosman et al. 2008: 1767).



شکل ۲: بقایا استخوان حیوانات همراه تدفین انسانی، غار هیلزون (Grosman et al. 2008: 1768).

در محوطه است که در سازه شماره ۱۳۱ یافت شده است. متوفی، یک زن بزرگسال است که به صورت خمیده (Valla et al. 2017: 298)، و به سمت راست قرار گرفته و مچ سمت چپ زیر پیشانی و دست راست وی روی قفسه سینه توله‌سگ قرار گرفته است و از قرار معلوم به صورت کامل همراه با انسان دفن شده است. بر اساس وضعیت دندان‌ها سن آن حدود ۳ تا ۵ ماهه است (شکل ۳). که این حالت تدفین و نزدیکی متوفی به سگ، می‌تواند نشان‌دهنده ارتباط نزدیک دو جسد در زمان حیات باشد که در تدفین این ارتباط بازتاب پیدا نموده است (Davis & Valla, 1978: 608-609). مطالعات صورت گرفته بر روی این حیوان نشان می‌دهد که این حیوان بیشتر به سگ شباهت دارد تا گرگ، که احتمالاً در نتیجه اهلی‌سازی گرگ‌ها، تغییری در این حیوان روی داده است (Ibid: 610).



شکل ۳: موقعیت تدفین متوفی نسبت به سگ در محوطه عین ملاحه (Davis & Valla, 1978).

یکی دیگر از محوطه‌های دوره ناتوفیان که در آن نشانه‌هایی از تدفین حیوانات به دست آمده است، غار هیونیم^{۱۴} است. این غار در شرق دریای جلیله و در ارتفاع حدود ۲۵۰ متر بالاتر از سطح دریای مدیترانه و با فاصله حدود ۱۳ کیلومتری از آن واقع شده است (Goldberg & Bae-Yosef, 2002: 107-125). از ویژگی‌های این غار کشف دست‌ابزارهای سنگی و استخوان‌های تزئین شده شامل هاون‌های سنگی، استخوان‌های تزئین شده کفکیری شکل است (Bar-Yosef & Belfer-Cohen, 1999: 402). در این غار تعداد ۵۶ تدفین یافت شده که به لحاظ موقعیت و جایگاه تدفین‌ها، تعداد ۴۷ تدفین در

۹۳ تدفین از ۵۵ قبر یافت شده، که به لحاظ سنی شامل تدفین بزرگسالان و خردسالان است و به لحاظ جنسیتی مردان و زنان را شامل می‌شود (Byrd & Monahan, 1995: 157). تدفین‌ها هم در داخل فضاها و مسکونی و هم در خارج از فضاها و مسکونی یافت شده‌اند (Grindell, 1998: 144). تدفین‌ها بیشتر به صورت انفرادی و اولیه هستند، هرچند برخی از تدفین‌ها به صورت ثانویه و ترکیبی هستند و سنت جداسازی جمجمه نیز در میان تدفین‌ها مشاهده شده است (Grindell, 1998: 129). جهت خاصی برای تدفین‌ها در نظر گرفته نشده است و تدفین‌ها در جهات مختلف دفن شده‌اند (Ibid: 168). یکی از قابل‌توجه‌ترین تدفین‌های یافت شده از این محوطه، تدفین مربوط به یک حیوان از گونه سگ‌سانان همراه با انسان است. این تدفین که بانام تدفین شماره ۱۰۴ نام‌گذاری شده، مربوط به اوایل استقرار

^{۱۴}. Hayonim

فراپارینه‌سنگی بوده است و یا اینکه این افراد جایگاه اجتماعی بالاتری داشته‌اند.

در دوره نوسنگی نیز در منطقه لوانت شواهد قابل توجهی از تدفین مشترک حیوان و انسان به دست آمده است که، شاخص‌ترین آن‌ها از محوطه‌های عین الغزال و کفر هاهورش^{۱۵} یافت شده است. محوطه عین غزال مربوط به اواسط دوره نوسنگی پیش‌ازسفال B تا دوره نوسنگی پیش‌ازسفال C و دوران یرموکیان^{۱۶} است (Rollefson, 1988: 165-188). این محوطه یکی از بزرگ‌ترین محوطه‌های دوران نوسنگی پیش‌ازسفال B با وسعتی در حدود ۱۳ هکتار است (Rollefson et al., 1992: 444). تقریباً در تمام مراحل استقرار در این محوطه تدفین به دست آمده است. بطوری که در دوران نوسنگی پیش‌ازسفال B، ۸۱ نفر و در اواخر دوره نوسنگی پیش‌ازسفال B، چهار نفر و در دوران نوسنگی پیش‌ازسفال C، ۲۷ تدفین یافت شده است (Ibid: 462). تدفین حیوانات در این محوطه، مربوط به دوران نوسنگی پیش‌ازسفال C است که شامل مجموعه دو خوک در دو قبر چاله ای به همراه تدفین انسانی است و در یک چاله دیگر فقط بخش‌های دیگری از استخوان خوک یافت شده است (Rollefson & Köhler-Rollefson, 1993: 38).

در کفر هاهورش تدفین‌های مشترک انسانی و حیوانی به گونه‌ای دیگری انجام گرفته است. این محوطه، مربوط به دوران نوسنگی پیش‌ازسفال B است و در این دوره به عنوان یک مرکز مذهبی برای سکونت‌گاه‌های اطراف شناخته می‌شده است (Goring-Morris et al., 1997: 1). این محوطه یکی از غنی‌ترین محوطه‌ها به لحاظ ارائه شواهدی از یافته‌های تدفینی است. بطوری که در این محوطه، تدفین‌های ابتدایی، ثانویه، جداسازی مجموعه و تدفین حیوانات یافت شده است (Meieret et al., 2016: 3). تدفین‌های مشترک انسان و حیوان در این

غار و تعداد ۸ تدفین نیز در خارج از محل مسکونی و یک تدفین نیز در داخل محوطه مسکونی یافت شده است (Grindell, 1998: 144) شیوه‌های تدفین، شامل تدفین ابتدایی، ثانویه و همچنین جدا کردن مجموعه از بدن نیز مشاهده می‌شود که متعلق به دوران ناتوفیان پایانی است (Belfer-Cohen, 1988: 297). تدفین حیوانی یافت شده از این محوطه، شامل یک قبر است که در آن سه نفر انسان همراه با دو سگ دفن شده‌اند. این تدفین در یک چاله بیضی‌شکل انجام گرفته و سگ شماره یک، به سمت راست و به صورت درازکش دفن شده و پاهای عقبی آن نزدیک مجموعه شخص شماره ۱۰ قرار گرفته است. یک قطعه سنگ روی قفسه سینه سگ شماره یک، همچنین قطعه سنگی روی مجموعه سگ شماره دو قرار گرفته و همراه آن‌ها دوتا لاک، لاک‌پشت یافت شده است، بر روی تدفین‌های انسانی، مشابه سگ‌ها تعدادی سنگ قرار داشت که مشخص است به صورت تعمودی قرار داده شده‌اند. بعد از دفن این اجساد (حداقل تدفین انسانی شماره هشت و سگ‌ها)، روی اجساد را با خاک پوشانده‌اند (Tchernov & Valla, 1997: 67-70). موقعیت دفن این حیوانات در میان تدفین‌های انسانی و رفتار مشابه تدفینی با آن‌ها، مانند قرار گرفتن قطعات سنگ بر روی اجساد که در تدفین سگ‌ها و انسان مشترک است، نشان‌دهنده جایگاه متمایز سگ در میان این اقوام است که رفتار مشابهی برای تدفین این اجساد صورت گرفته است (Tchernov & Valla, 1997: 66). به اینکه از تعداد ۵۶ تدفین کشف شده از غار هیونیم : (Grindell, 1998: 144) و تعداد ۹۳ تدفین کشف شده از محوطه عین ملاحه (Byrd & Monahan, 1995: 157) فقط در دو قبر، اسکلت انسان به همراه سگ یافت شده است. این امر نشان می‌دهد که تدفین مشترک انسان و سگ، در دوران فراپارینه‌سنگی به صورت فراگیر و عمومی صورت نمی‌گرفته، و احتمالاً این شیوه تدفین مختص افراد مرتبط با نگهداری و پرورش این حیوان در دوران

¹⁵. Kfar Hahores

¹⁶. Yarmoukian

مرد بزرگسال دفن شده، اما با توجه به اینکه سکو حداقل دو بار پشت سر هم اندود شده است، در این تدفین هیچ گونه ارتباط مستقیمی بین انسان و حیوان قابل مشاهده نیست. تدفین مشترک انسان و حیوانی دیگری که ارتباط قوی‌تری بین آن‌ها وجود دارد، تدفین مربوط به یک اسان به همراه گوسفند است. این تدفین در ضلع جنوبی اتاق اصلی ساختمان شماره ۵۰ یافت شده که در کاوش‌های ملارت به‌عنوان معبد شماره نه معرفی شده است. در قسمت‌های شمالی این ساختمان، یک تدفین گروهی مرکب از پنج اسکلت انسان به همراه یک گوسفند یافت شده است (Russell & During, 2006: 75). این تدفین شامل دفن مردی بزرگسال در جهت شرقی - غربی و سر به سمت غرب است. یک نهشته کم‌عمق به رنگ قهوه‌ای، اطراف اسکلت این شخص و گوسفند را در برگرفته است که، احتمالاً بقایایی موادی ارگانیک مانند حصیر است و نشان می‌دهد که این شخص به همراه گوسفند، هم‌زمان دفن شده‌اند. جهت تدفین گوسفند نیز به‌صورت شرقی - غربی است و سر به سمت شرق قرار گرفته، در حالیکه پاها نزدیک به هم، به حالت عمودی قرار گرفته‌اند. این حالت تدفین تنها در صورتی امکان‌پذیر است که هنگام تدفین پاها به هم بسته شده باشند (شکل ۴). بر روی این تدفین، اسکلت سه متوفی دیگر قرار گرفته است و نشان می‌دهد که این قبر چندین بار باز شده است، ولی تمامی تدفین‌ها بر روی محل قرارگیری اسکلت انسانی انجام گرفته است و هیچ‌کدام روی قسمتی که گوسفند قرار گرفته، دفن نشده‌اند (Ibid: 76-77).

یکی از مناطقی که به لحاظ یافته‌های دوران نوسنگی و فراپارینه‌سنگی در بخش هلال حاصلخیزی دارای اهمیت فراوانی است، منطقه غرب ایران است. در این منطقه، محوطه‌های مهمی مانند گنج‌دره، علی‌کش، تپه شیخی‌آباد و آسیاب وجود دارند که هرکدام به لحاظ شاخصه‌های دوران نوسنگی دارای اهمیت هستند. یکی از مهم‌ترین این محوطه‌ها تپه گنج‌دره است که در جدیدترین گاهنگاری

محوطه به‌صورت‌های مختلفی یافت شده‌اند. در این محوطه ۲۳ قبر، حاوی استخوان‌های حیوانات بوده‌اند که در آن‌ها بقایای حیواناتی مانند غزال، بز وحشی، روباه قرمز، لاک‌پشت، جوندگان و مار یافت شده است. گونه‌های حیوانات بزرگسال و نابالغ، اغلب باهم یافت شده‌اند، ولی در مجموع حیوانات بزرگسال فراوان‌تر از حیوانات نابالغ هستند. در قسمت دیگری از محوطه و در زیر یک کف اندود شده، یک جمجمه انسانی اندود شده که بارنگ قرمز نقاشی شده، یافت شده است و در نزدیکی آن، یک غزال کوهی کامل اما بدون سر یافت شده است (Kolska Horwitz & Goring-Morris, 2004: 174). یکی دیگر از مناطقی که به لحاظ یافته‌های تدفینی دوره نوسنگی دارای اهمیت ویژه‌ای است، منطقه آناتولی است. در این منطقه از سال ۱۹۵۰ تاکنون بقایای تدفینی بیش از ۲۵۰۰ نفر از حدود بیست محوطه مربوط به دوران نوسنگی شناسایی شده است. مهم‌ترین محوطه‌های دارای داده‌های تدفینی، شامل محوطه چای‌اونو با بقایای حدود ۶۰۰ نفر و محوطه چاتال‌هویوک با بقایای حدود ۸۵۰ نفر است که ۴۸۰ تدفین مربوط در کاوش‌های ملارت و حدود ۳۷۰ تدفین نیز از کاوش‌های اخیر کشف شده است (Lichter, 2016: 71-72).

شیوه‌های مختلفی برای تدفین در دوران نوسنگی منطقه آناتولی گزارش شده است که یکی از شاخص‌ترین شیوه‌ها، جداسازی جمجمه از بدن است. نمونه این شیوه تدفینی در چای‌اونو مشاهده می‌شود که شامل ۷۰ جمجمه است که، در داخل ساختمانی که به ساختمان جمجمه معروف شده است، یافت شده‌اند (Erdem, 2006: 35). همچنین، روش‌های مختلف تدفین شامل تدفین‌های انفرادی، دونفره، گروهی ابتدایی، تدفین‌های ثانویه، و جداسازی جمجمه در محوطه‌هایی مانند چاتال‌هویوک یافت شده است (Anderwas et al., 2005: 261-285). تدفین‌های حیوانی در محوطه چاتال‌هویوک، شامل دفن یک اسکلت سگ در لایه VI زیر سکویی است که یک

حصیری دفن شده‌اند و همراه برخی از اجساد نیز داده‌هایی مانند سنگ‌های قیمتی و صدف یافت شده است (Hole 253-248: et al., 1969). در کاوش‌هایی که به صورت بازنگری در این محوطه در سال ۲۰۱۷ توسط حجت دارابی صورت گرفته نیز، یک مجموعه تدفینی شامل بقایای ۱۳ نفر یافت شده است که برخی از اسکلت‌ها به صورت کامل هستند و برخی از اسکلت‌ها فقط شامل بخش‌هایی از بدن بوده‌اند. بخش‌هایی از اسکلت‌ها از هم گسیخته هستند که می‌تواند نشانه‌هایی دال بر استفاده مجدد قبور و تدفین افراد در بازه‌های زمانی متفاوت در یک قبر باشد (Soltysiak and Darabi, 2017: 76-78).

یکی دیگر از محوطه‌های نوسنگی غرب ایران که در خصوص ارتباط انسان و حیوان دارای اهمیت است، محوطه شیخی‌آباد است. گاهنگاری اعلام‌شده برای این محوطه براساس آزمایش کربن ۱۴ بازه زمانی ۹۸۰۰ ق.م است (محمدی‌فر و دیگران، ۱۳۹۰: ۹). در این محوطه شش اسکلت مربوط به دوران نوسنگی یافت شده است. در این تدفین‌ها هیچ گونه یافته‌ای همراه متوفی یافت نشده است و فقط در یک مورد جسد در داخل حصیر پیچیده شده و همچنین نشانه‌هایی از گل اخرا حداقل بر روی دو جسد وجود دارد. در این محوطه آثاری از تدفین مشترک انسان و حیوان یافت نشده است، اما آنچه که این محوطه را در خصوص ارتباط انسان و حیوان در دوران نوسنگی قابل توجه می‌کند، وجود ساختمانی با چهار جفت شاخ بز در کنار هم و یک شاخ گوسفند پشت سر آنها است (همان: ۲۰). مشابه این رفتار و استفاده از شاخ و یا بخش‌هایی از بدن حیوانات در ساختمان، در برخی محوطه‌های هلال حاصلخیزی نیز گزارش شده است؛ از جمله در محوطه چاتال‌هویوک در فضایی که ملارت آن را معبد معرفی کرده است، نیمکت‌هایی وجود دارد که با شاخ گاو تزئین شده‌اند (Abraham, 2013: 8). همچنین، در محوطه گنج‌دره دو عدد جمجمه گوسفند

انجام شده، تاریخ اواخر هزاره نهم و اوایل هزاره هشتم ق.م را نشان می‌دهد و به دلیل یافت شدن نشانه‌های انتقال از دوره نوسنگی پیش از سفال به نوسنگی باسفال دارای اهمیت است (دارابی و دیگران، ۲۰۱۷: ۱۷۷-۱۷۸). علاوه بر آن به لحاظ یافته‌های تدفینی نیز قابل توجه است. در مجموع ۶۹ تدفین از این محوطه کشف شده است که در لایه‌های قدیمی آن، یعنی لایه های D و E تعداد ۳۰ تدفین به شیوه‌های مختلف به صورت تکی و گروهی یافت شده است. نشانه‌های ارتباط انسان و حیوان در این تدفین‌ها شامل بخش‌های از قطعات جمجمه بز یا گوسفند همراه متوفی است که در برخی از موارد، جمجمه کامل حیوان نیز همراه متوفی یافت شده است (Lambert, 1980: 6). هرچند محل قرارگیری بقایای حیوانی همراه جسد و ارتباط آنها با اجساد، به درستی مشخص نیست و درخصوص ارتباط بقایای جانوری و انسانی نمی‌توان اظهار نظر نمود. اما در کنار یافته‌های جانوری همراه تدفین در این محوطه کاربرد نمادین جمجمه این حیوان نیز مشهود است؛ به طوری که در لایه D دو عدد جمجمه گوسفند وحشی به صورت اندود شده در داخل دیوار قرار گرفته‌اند و شش تدفین در اتاق مجاور با این مکان یافت شده‌اند (Merrett, 2004: 179-181).

از محوطه‌های دیگر شاخص دوران نوسنگی ایران، محوطه علی‌کش است. جدیدترین تاریخ‌گذاری صورت گرفته برای این محوطه در قدیمی‌ترین لایه‌های آن بین ۷۵۰۰ تا ۶۵۰۰ ق.م است (دارابی، ۱۳۹۷: ۲۷). در این محوطه نشانه‌هایی از ارتباط با منطقه آناتولی به دلیل یافت شدن ابسیدین‌هایی با منشا آناتولی مشاهده می‌شود (مسجدی خاک و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰). هرچند در این محوطه تدفین مشترک انسان و حیوان یافت نشده است، اما به لحاظ یافته‌های تدفینی مربوط به دوره نوسنگی دارای اهمیت است. تدفین‌های یافت شده در این محوطه که در طی چندین فصل کاوش یافت شده‌اند، شامل تدفین‌های اولیه و ثانویه است. برخی از اجساد در پوشش‌های

جدول ۱: تدفین‌های حیوانی یافت شده مربوط به دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی در خاور نزدیک.

نام محوطه	قدمت	حیوان دفن شده با انسان	منبع	رابطه انسان و حیوان بر مبنای یافته‌های باستان‌شناسی
ایون الحمام اردن	فرا پارینه‌سنگی آغازین و میانی	روباه	(Maher et al. 2011: 4)	با توجه به رفتار تدفینی مشابه بین انسان و روباه و همچنین ظاهر شدن نگاره روباه در محوطه‌های مختلف در ادوار بعدی، می‌توان نقشی بیش از نقش اقتصادی و معیشتی برای روباه و نقش نمادین این حیوان در منطقه متصور شد.
غار هیلازون فلسطین اشغالی	ناتوفیان	پنجاه لاک، لاک‌پشت، دو جمجمه سمور، بخش‌هایی از یک بال عقاب، چندین استخوان مهره از دم یک گاو، یک استخوان ساعد گراز وحشی	(Grosman et al. 2008: 1767-1768)	انرژی زیاد صرف شده جهت ایجاد چاله تدفین و همچنین گردآوری یافته‌های فراوان در گور می‌تواند نشان دهنده جایگاه متمایز متوفی نسبت به سایر افراد باشد. همچنین با وجود جمع‌آوری بخش‌هایی از حیوانات با ویژگی‌های متفاوت در گور می‌توان نقشی مانند شمن‌ها در قبایل امروزی برای متوفی متصور شد.
عین ملاحه فلسطین اشغالی	ناتوفیان	یک سگ	(Davis & Valla, 1978: 608-609)	موقعیت جسد حیوان نسبت به انسان و قرارگیری زیر دست انسان، می‌تواند نشانه‌ای دال بر رابطه نزدیک انسان و حیوان در زمان حیات بوده باشد که انعکاس آن در تدفین مشاهده می‌شود.
غار هیونیم فلسطین اشغالی	ناتوفیان	دو سگ، لاک‌پشت	(Tchernov & Valla, 1997: 67-70)	قرارگیری دو سگ در میان تدفین انسان‌ها و رفتار مشابه با جسد سگ‌ها و انسان‌ها می‌تواند نشان‌دهنده نقش پررنگ این حیوان در جامعه انسانی باشد.
کفر هاورش فلسطین اشغالی	نوسنگی پیش‌ازسفال B	لاک‌پشت، غزال، بز وحشی، روباه قرمز، لاک‌پشت، جوندگان و مار	(Kolska Horwitz & Goring-Morris, 2004: 174)	تدفین ۶ غزال ماده به همراه یک غزال نر، می‌تواند منعکس کننده تلاش انسان‌ها برای اهلی‌سازی حیوانات و یا شکار مدیریت شده باشد به طوری که حیوانات نر بیشتر شکار می‌شده و حیوانات ماده معمولاً در سن‌های بالا شکار می‌شده‌اند؛ نقشی که امروزه نیز در پرورش حیوانات اهلی دیده می‌شود، بطوری که معمولاً تعداد حیوانات ماده چند برابر حیوانات نر است.
چاتال هویوک ترکیه	نوسنگی پیش‌ازسفال B	گوسفند	(Russell & During, 2006: 75)	قرارگیری جسد کامل یک حیوان در تدفین به همراه انسان، می‌تواند نشان دهنده اهمیت این حیوان در جامعه باشد که انعکاس آن در تدفین مشاهده می‌شود.
عین الغزال اردن	نوسنگی پیش‌ازسفال c	خوک	(Rollefson & Köhler-Rollefson, 1993: 38)	یافت شدن بخش‌هایی از خوک در تدفین‌ها، می‌تواند به‌عنوان پیش‌کش یا هدایای تدفینی باشد.
چغاسفید ایران	نوسنگی با سفال	بز	(Hole, 1977:92)	یافت شدن بخش‌هایی از بز در تدفین‌ها، می‌تواند به‌عنوان پیش‌کشی یا هدایای تدفینی باشد.
حاجی‌فیروز	نوسنگی با سفال	بقایای حیوانات مختلف با مصرف خوراکی	(Voigt, 1983: 73)	یافت شدن بقایای انسانی در کنار بقایای حیوانات با مصرف خوراکی، می‌تواند نشان‌دهنده کانابالیسم یا هم‌نوع خواری باشد.

شده‌اند در داخل یک چاله در یک فضای بیضی شکل یافت شده است (Darabi et al., 2019: 7). در حفاری انجام شده در سال ۲۰۱۶ بقایای ۲۰ گراز وحشی که به صورت منظم در کنار هم چیده شده‌اند، در داخل یک

به‌صورت اندود شده در داخل دیوار قرار گرفته‌اند (Merrett, 2004: 179-181). همچنین در کاوش‌های صورت گرفته در محوطه آسیاب در غرب زاگرس، بقایای ۲۰ گراز وحشی که به صورت منظم در کنار هم چیده

قطعه بزرگ لگن، دنده‌ها و قسمت‌های از مجموعه است که با اخراج قرمز پوشیده شده و قطعات زیادی از استخوان بز در بین استخوان‌ها یافت شده است. تدفین بعدی مربوط به یک فرد بزرگسال است که، شامل یک مجموعه تغییر شکل داده شده روی یک کپه از استخوان‌های بز است. به علاوه، یک استخوان ران، نیمی از فک، دورتر از مجموعه یافت شده است و قطعاتی از استخوان‌های بازو، پاها و مهره‌ها پراکنده شده‌اند و با استخوان‌های بز ترکیب شده‌اند (Hole, 1977: 92). در محوطه باستانی حاجی فیروز نیز در لایه‌های فرهنگی دوران نوسنگی باسفال، بقایای استخوان انسان همراه با بخش‌هایی از حیواناتی که گوشت آن‌ها قابل مصرف بوده، یافت شده است (Voigt, 1983: 73).

چاله در یک فضای بیضی شکل یافت شده است (Ibid: 7).

یافت شدن بخش‌های از استخوان حیوانات با قابلیت اهلی‌سازی که به صورت هدفمند در داخل ساختمان‌ها جای‌گذاری شده‌اند هرچند نمی‌تواند به عنوان تدفین حیوانی تفسیر شوند، ولی می‌تواند نشانه‌هایی از ارتباط نزدیک انسان‌ها و این حیوانات بود باشد. ترکیب استخوان حیوانات و انسان نیز در محوطه‌های نوسنگی ایران گزارش شده و نمونه آن محوطه چغاسفید است. در این محوطه در دوران نوسنگی تعداد ۸ تدفین به دست آمده که در دو تدفین بقایای استخوانی بز یافت شده است. یکی از این تدفین‌ها، مربوط به یک کودک است که به صورت ثانویه دفن شده است. بقایای استخوانی وی شامل یک



شکل ۴: بازسازی تدفین مشترک انسانی و حیوانی در چاتال هویوک (Russell & During, 2006: 79).

نتیجه‌گیری

علاوه بر حضور این حیوانات در گور متوفی نقش آن‌ها در نمادهای به‌جای مانده از آن دوران مانند مهره‌های سنگی و تمثال‌های سنگی نیز دیده می‌شود. در مواردی نیز بخش‌های مختلفی از حیوانات گوناگون در یک گور یافت شده و ممکن است یک فرد از نیروهای حیوانات مختلف در میان جامعه استفاده می‌کرده و سعی در به خدمت گرفتن نیروی این حیوانات کرده و دارای نقشی مشابه شمنیسم بوده است که، انعکاس آن در تدفین فرد بروز پیدا

نتیجه‌گیری در خصوص ارتباط انسان و حیوان در دوران فراپارینه‌سنگی و نوسنگی، نیاز به بررسی مؤلفه‌های فراوانی دارد؛ اما آنچه که در بررسی تدفین‌ها در این دوران قابل‌برداشت است، نشان‌دهنده تغییر در نگرش انسان نسبت به حیوانات در محوطه‌های متفاوت در ادوار مختلف بوده که این تغییرات در تدفین‌ها نیز قابل‌مشاهده است و حیوانات گاهی دارای نقش‌های نمادین بوده‌اند که

ابسیدینی تپه علی‌کش، دشت دهلران. پژوهش باستان‌سنجی، ۵ (۲)، ۱-۱۳.

Abraham, H. (2013). Household Burials and Community Organization at Çatalhöyük, Turkey. M.S. dissertation, University of Michigan.

Ashraf, Q., and Michalopoulos, S. (2010). The Climatic Origins of the Neolithic Revolution: Theory and Evidence. *SSRN Electronic Journal*, 146, 1-65.

Andrews, p., Molleson, T., & Boz, B., (2005). The Human Burials at Çatalhöyük. In I. Hodder (ed.), *Inhabiting Çatalhöyük: Reports from the 1995-99 Seasons*, British Institute at Ankara, Vol, 38, 261-78.

Axelsson, E., Ratnakumar, A., Arendt, M. L., Maqbool, K., Webster, MT., Perloski, M., Liberg, O., Arnemo, JM., Hedhammar, A., Lindblad-Toh, K. (2013). The genomic signature of dog domestication reveals adaptation to a starch-rich diet. *Nature*, 495, 360-364.

Bar-Yosef, O., & Belfer-Cohen, A. (1999). Encoding Information: Unique Natufian Objects from Hayonim Cave, Western Galilee, Israel. *Antiquity*, 73 (2800), 402-410.

Belfer-Cohen, A. (1988). *The Natufian Graveyard in Hayonim Cave. Paleorint*, 14(2), 297- 308.

Benyshek, D. (2012). *An Archival Exploration Comparing Contemporary Artists and Shaman*. A dissertation presented to Doctor of Philosophy in psychology, San Francisco.

Bocquentin, F., & Bar-Yosef, O. (2004). Early Natufian Remains: Evidence for Physical Conflict From Mt, Carmel, Israel. *Journal of Human Evolution*, 47, 19-23.

Bocquentin, F., Cabellos, T., & Samuelian, N. (2013). *Grave in Context: Field Anthropology and the Investigation of Interstratified Floors and Burial*, Library of Congress Catalogin- in-Publication Data,

نموده است. گاهی ارتباط انسان و حیوان خیلی نزدیک به هم بوده و حیوانات دارای جایگاه برابر با انسان بوده‌اند و دفن آن‌ها مشابه تدفین‌های انسانی، و در میان تدفین انسان‌ها انجام می‌گرفته است. همچنین دگرگونی در شیوه معیشت و تغییر در الگوی شکار به‌صورت گزینش حیوانات بر اساس جنسیت و سن، که نشانه‌ای از شروع روند اهلی‌سازی است، نیز در تدفین‌ها مشاهده می‌شود که این موضوع در گونه حیوانات دفن شده و همچنین ارتباط تعداد با جنسیت حیوانات دفن شده همراه انسان‌ها، قابل مشاهده است.

منابع

دارابی، حجت، ریشتر، تویاس، مورتسن، پدر (۱۳۹۶). فرآپارینه‌سنگی و نوسنگی در دره سیمره، زاگرس مرکزی: گزارش فصل اول لایه‌نگاری در تپه گنج‌دره هرسین، مجموعه مقالات کوتاه، گزارش‌های شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.

دارابی، حجت. (۱۳۹۷). بازنگری لایه‌نگاری تپه علی‌کش، دشت دهلران. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۸ (۱۶)، ۲۷-۴۱.

رضایی، محمد حسین، سنگ برگان، محسن (۱۳۹۸). تدفین در ایران و منطقه لوانت از آغاز تا پایان دوره نوسنگی. تهران: سمیرا.

محمدی فر، یعقوب، متیوس، روجر، متیوس، وندی و مترجم، عباس. (۱۳۹۰). پروژه باستان‌شناسی زاگرس مرکزی گزارش مقدماتی کاوش و بررسی در تپه شیخی‌آباد و تپه جانی اسلام‌آباد غرب. نامه‌های باستان‌شناسی، ۱ (۱)، ۹-۳۰.

مسجدی خاک، پرستو، رضایی، محمدحسین، گلاسکو، میشل، ملک، حمیده، خزایی کوهپر، مصطفی، و شنبه‌زاده، عبدالمالک (۱۳۹۸). بازنگری و منشایابی ابزارهای

- By International Monographys in prehistory Printed in the USA.
- Binford, L. (1971). *Mortuary practices, their study and their potential, Approaches to the Social Dimensions of Mortuary Practices*. Ed, J. Brown, Memories of the Society for American Archaeology, 25, 629.
- Binford, L. R., & Binford, R. 1968. *New Perspective in Archaeology*. Aldine Publishing Company, Chicago.
- Byrd, B. F. (1989). The Natufian: Settlement Variability and Economic Adaptations in the Levant at the End of the Pleistocene. *Journal of World Prehistory*, 3(2), 159-197.
- Byrd, B. F., & Monahan, C. M. (1995). Dead, Mortuary Ritual, and Natufian Social Structure. *Journal of Anthropological Archaeology*, 14, 256-287.
- Collins, E. (2009). *An Osteological and Mortuary Analiss of the Insane Asylum of California Cemetry, 1851-1854*, In Partial Fulfillment of the Degree Master of Arts in Anthropology, A Thesis Presented to the Faculty of California State University, chico.
- Cilingiroglu, C. (2005). The concept of Neolithic Package Considering its Meaning and Applicability. *Documenta Praehistorica*, 32, 1-13.
- Davis, S. J. M., & Valla, F. R. (1978). Evidence for Domestication of the dog 12000 years ago in the Natufian of Israel. *Nature*, 276, 608-610.
- Darabi, H., Richter, T., Alibaigi, S., Arranz-Otaegui, A., Bansgaard, P., Khosravi, S., Ruter, A., Yeomans, L., & Mortensen, P. (2019). New excavations at Tapeh Asiab, Kermanshah, Central Zagros Mountains. *Archaeology*, 2, 1-13.
- Diaz, A. L. O., Connell, T. C., Maher, L. A. & Stock, J. T. (2012). Subsistence and Mobility Strategies in the Epipalaeolithic: A Stable Isotope Analysis of Human and Faunal Remains at Uyan Al-Hammam, Northern Jordan. *Journal of Archaeological Science* 397(7), 1-9.
- Erdem, D. (2006). *Social Differentiation in Cayonu and Abu Hureyra through Burial Customs and Skeletal Biology*. Master dissertation, Middle East Technical University. Gilbert, F., Quignon, P., Hitte, C., & Andre, C. (2011). Toward understanding dog evolutionary and domestication history. *C, R, Biologies*, 334(3), 190-196.
- Mateiciucova, I. (2013). *Epipalaeolithic of the Near East, prehistoric Archaeology of the Near East*. Istitute of Archaeology and Museology, Faculty of Arts, Masaryk University.
- Grosman, L., & Munro, N. D. (2016). *Hilazon Tachtit Cave, a Late Natufian Burial Site in the Western Lower Galilee, Israel*. Quaternary of the Levant Environments, Climate Change, and Humans. Cambridge University Press. pp. 303 - 306.
- Grosman, L., Munro, N. D., & Belfer-Cohen, A. (2008). A 12000- Year-old Shaman Burial from the southern Levant (Israel). *Proceedings of the National Academy of Sciences (Pans)*, 105(46), 17665-17669.
- Grindell, B. (1998). An Examination of Mortuary Practices and Social Complexty in The Levantine Natufian and Pre-porttery Neolithic A. Dissertation Submitted to the Faculty of Department of Anthropology in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philsophy the University of Arizona.
- Munro, N. D., & Grosman, L. (2010). Early evidence (ca.12000 BP) for feasting at a Burial cave in Isreal. *Proceedings of the National Academy of Sciences (Pans)*, 107(35), 15362-15366.
- Goldberg, P., & Bar-Yosef, O. (2002). *Site Formation Processes in Kebara and Hayonim Cave and Their Significance in Levantine Prehistoric Cave*. Plenum Press, New York.

- Hole, F. (1977). *Studies in the Archeological History of the Deh Luran Plain the Ecavation of Chagha Sefid*. United States of America, The University of Michigan the Museum of Anthropology.
- Hole, F., Flannery, K. V., & Neely, J. N. (1969). *Prehistory And Human Ecology of the Deh Luran Plain an Early Village Sequence from Khuzistan, Iran*. Pennsylvania, Library University of Pennsylvania.
- Hole, F. (1984). A Reassessment of the Neolithic Revolution. *Paleorient*, 10(2), 49-60.
- Hoppal, M. (2013). *Shamans and symbols: Prehistory of semiotics in rock art*. International Society for Shamanistic Research, Budapest.
- Ikram, S. (2013). *Mans best friend for eternity: dog and human Burials in ancient Egypt*. Publications Scintifiques du museum national d histore natuelle, Paris.
- Kolska Horwitz, L., & Goring-Morris, N. (2004). Animal and ritual during the Levantine PPBN a case study from the site of Kafar Hahores, Israel. *Anthropozoologica*, 39(1), 165-178.
- Kuijt, I. (2002). *Keeping the Peace Ritul, Skull Caching, and Community Integration in the Levantine Neolithic*. New York, Boston, Dordrecht, London Moscow. Kluwer Academic Publishers. Pp.137-160.
- Lambert, P. J. (1980). An Osteological Analysis of Neolithic Skeletal Population at Ganj Dare Tepe, Iran. PhD Thesis. University of Manitoba.
- Lichter, C. (2016). Burial Customs of the Neolithic in Anatolia - An Overview. *Anatolian Metal*, 7, 71-84.
- Martin, L., Edwards, Y., & Garrad, A. (2010). Hunting Practices at Eastern Jordanian Epipalaeolithic Aggregation Site: The Case of Kharaneh IV. *Levant*, 42(2), 107-135.
- Maher, A. L. Richter, T., & Stock, J. T. (2012). The Pre-Natufian Epipaleolithic: Long-Term Behavioral Trends in the Levant. *Evolutionary Anthropology*, 21(2), 69-81.
- Maher, L. A., Stock, J. T., Finney, S., Heywood, J. J., Miracle, P. T., & Banning, E. B. (2011). A Unique Human-Fox Burial from a Pre-Natufian Cemetery in the Levant (Jordan). *PLOS ONE*, 6(1), 1-10.
- Meirer, J. S., Goring-Morris, A. N., & Munro, N. D. (2016). Provisioning the Ritual Neolithic Site of Kafar Hahores, Israel at the dawn of animal Management. *PLOS ONE*, 11(11), 1-27.
- Merrett, D. C. (2004). *Bioarchaeology in Early Neolithic Iran: Assessment of Health Status and Subsistence Strategy*. PhD Thesis. University of Manitoba.
- Mykhailova, N. (2016). Shamn-Huter-Deer, *Adornaten*, 84-99.
- Nadel, D. (1994). Levantine Upper Paleolithic-Early Epipalaeolithic Burial Customs: Ohalo II as a Case Study. *Paleorient*, 20(1), 113-121.
- Rollefson, G. O., Simmons, A. H., & Kafafi, Z. (1992). Neolithic Cultures at 'Ain Ghazal, Jordan. *Journal of Field Archaeology*, 19(4), 443-470.
- Rollefson, G. O. (2002). *Ritual and Social Structure at Neolithic Ain Ghazal*. In: Life in Neolithic Farming Communities. New York, Boston, Dordrecht, Moscow, Kluwer Academic Publishers, 165-188.
- Rollefson, G. O., & Kohler-Rollefson, I. (1993). PPNC Adaptations in the First Half of the 6th Millennium B.C. *Paleorient*, 19, 33-42.
- Russell, V., & During, B. S. (2006). Worthy is the Lamb: A Double Burial at Neolithic Catal Ho-yuk (Turkey). *Paleorient*, 32(1), 73-84.
- Richter, T., Allcock, S., Jones, M., Maher, L., Martin, L., Stock, J., Richter, T., Stock, J. T., Maher, L., & Hebron, C. (2010). An Early Epipalaeolithic Sitting Burial from the Azraq Qasis, Jordon. *Antiquity*, 84, 321-334.
- Watkins, T. (2012). *Household Community and social Landscape: maintaining social memory in the early Neolithic of southwest Asia*. In: As time goes by? Monumentality, Landscapes and the Temporal

- Perspective. Ed: by Martin Furholt, Martin Hinz and Doris Mischka, Vol 2, 23-45.
- Saxe. A. 1970. *Social Dimensions of Mortuary Practice*. University Microfilms, Ann Arbor.
- Schmidt, K. (2010). Gobekli tepe- the Stone Age sanctuaries, new results of ongoing excavation with a special focus on sculptures and high reliefs. *Documenta Praehistorica*, 37, 239-256.
- Stutley, M. (2004). *Shamanism an Introduction*. Published in the Taylor & Francis e-library, New York.
- Sołtysiak, A., & Darabi, H. (2017). Human remains from Ali Kosh, Iran, 2017. *Bioarchaeology of the Near East*, 11, 76-83.
- Stutz, L. N. and Tarlow, S. (2013). Beautiful Things and Bones of Desire Emerging Issues in the Archaeology of Death and Burial. In: S. Tarlow and L. Nilsson Stutz (ed.), *The Archaeology of Death & Burial*. Oxford University Press. Pp. 1-16.
- Stout, A. (2010). *Cultural History, Race, and Peoples*. In: *The archaeology of Death & Burial*. Ed: by Sarah Tarlow and Liv Nilsson Stutz. Oxford University Press. Pp. 17-27.
- Tarlow, S., & Stutz, L.N. (2013). *The Archaeology of Death and Burial*. Oxford University Press. P. 872.
- Tchernov, E., & Valla, F. F. (1997). Two New Dogs, and other Natufian Dogs, from Southern Levant. *Journal of Archaeological Science*, 24 (1), 65-95.
- Valla, F. R., Khalaily, H., Samuelian, N., Bocquentin, f., Bridault, A, et al. (2017). *Eynan (Ain Mallaha)*. Enzel, Y. and Bar-Yosef, O. (eds). *Quaternary of the Levant. Environments, climate change, and humans*, Cambridge University Press, pp. 295-302.
- Voigt, M, M. (1983). *Hajji Firuz Tepe, Iran: The Neolithic Settlement*. The University Museum, University of Pennsylvania.
- Willcox, G. (2002). Charred plant remains from a 10th millennium BP Kitchen at Jerf el Ahmar. *Veget Hist Archaeology* Vol, 11, 55-60.
- Yeshurun, R., Bar-Oz, G., & Weinstein-Evron, M. (2009). The role of foxes in the Natufian economy: a view from Mount Carmel, Israel. *Before Farming*, 1, 1-15.